

Genealogy of the word "zøj" in Afro-Asian and Indo-European languages with Qur'an and Bible uses.

**Mohammadali Hemati, Vafadar Keshavarzi, Maryam Nazarbeygi,
Maleha Sasanei**

Assistant Professor of Department of Interpretation and Quranic Sciences,
University of Holy Quran Sciences and Education, Shiraz, Iran
Assistant Professor of Department of Interpretation and Quranic Sciences,
University of Holy Quran Sciences and Education, Shiraz, Iran
Assistant Professor of Department of Quranic and Hadith Sciences,
University of Ayatollah Borujerdi, Borujerd, Iran
MA Graduate of Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and
Education, Shiraz, Iran

Abstract

One of the most frequent words in the Qur'an is the word "zøj" meaning couple. The importance of this word is represented in two ways; One is due to its presence in most branches of Afro-Asian and Indo-European languages, which shows its application in large areas. The second is due to its use in the sacred texts of the Abrahamic religions, with its breadth of the semantic domain. The present study has been done with the method of comparative historical linguistics to achieve the structural-semantic evolution of this word in the mentioned languages using library resources. For further explanation of linguistic issues, examples and evidence of the Old Testament written in Hebrew and Greek and the New Testament written in Greek and Syriac (Peshitta) and the Qur'an are presented. The results show that the word probably came from Greek into Semitic, and has spread from the northernmost Semitic region to North Africa. Its main meaning is "connection", which is closely related to the yoke and the cow, which is crystallized in the religious texts of Jews and Christians. Over time, secondary meanings related to the principle of the first meaning are formed; so that the meaning of connection and joining change to the marriage of a man and a woman and the female sex. In later periods, the meaning of wife becomes central. In the last station of the Semitic languages, namely Arabic, the word has a semantic development. By employing it, the Qur'an presented one of the purest issues of creation, namely the law of "couple" among all beings to which man was ignorant before the revelation of the Qur'an.

Keywords: Holy Quran, Bible, Couple, Indo-European languages Afro-Asian languages. Historical-comparative linguistics.

تبارشناسی واژه «زوج» در زبان‌های آفروآسیایی و هند و اروپایی با کاربردهای قرآنی - عهدینی

محمدعلی همتی*^۱، وفادار کشاورزی^۲، مریم نظریگی^۳، ملیحه ساسانی^۴

۱- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران

mohammadalihemati@gmail.com

۲- استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران

vafadarkeshavarz@gmail.com

۳- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران

m.nazarbeygi@abru.ac.ir

۴- کارشناس ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، شیراز، ایران

hk_mehdi64@yahoo.com

چکیده

یکی از واژگان پُرسامد قرآنی واژه «زوج» است. اهمیت این واژه از دو جنبه درخور توجه است؛ یکی به سبب حضورش در بیشتر شاخه‌های زبان‌های آفروآسیایی و هند و اروپایی که نشان از وسعت مناطق استفاده‌شده آن را دارد. دوم به واسطه کاربرد آن در متون مقدس ادیان ابراهیمی، با وسعت حوزه معنایی‌اش است. پژوهش حاضر با روش معنانشناسی تاریخی و زبانشناسی تاریخی - تطبیقی برای دستیابی به سیر تطور ساختاری - معنایی این واژه، در زبان‌های مذکور با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. برای توضیح بیشتر مباحث زبانی، مصادیق و شواهد عهد عتیق عبری، یونانی و عهد جدید یونانی و سریانی (پشتیا) و قرآن ارائه شده‌اند. نتایج نشان می‌دهند واژه، به احتمال زیاد از زبان یونانی وارد زبان سامی شده و از شمالی‌ترین منطقه سامی‌نشین تا شمال آفریقا گسترش یافته است. معنای اصلی آن «وصل کردن» است که قرابت تنگاتنگی با یوغ و گاو دارد که در متون دینی یهودیان و عیسویان متبلور شده است. با گذشت زمان معانی ثانوی مرتبط با اصل معنای اولی شکل می‌گیرد؛ به طوری که معنای اتصال و پیوستن به زوجیت زن و مرد و جنس مؤنث عدول می‌کند. در ادوار بعدی معنای همسر و زن محوریت می‌یابد. در آخرین ایستگاه زبان‌های سامی، یعنی عربی، این واژه، توسعه معنایی داشته است که قرآن با استخدام آن، یکی از ناب‌ترین مباحث خلقت، یعنی جریان قانون زوجیت در بین تمامی موجودات را ارائه داد که تا قبل از نزول قرآن، بشر نسبت به آن جاهل بود.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، زوج، عهدین، زبانشناسی تاریخی - تطبیقی، زبان‌های آفروآسیایی، زبان‌های هند و اروپایی.

به تعداد ۸۱ بار به کار رفته است. ۵ بار به شکل

۱- طرح مسئله

ساختار فعلی در باب تفعیل و مابقی در ساختار اسمی

واژه «زوج» در قرآن کریم در ۷۲ آیه و در مجموع

در قالب‌های زوج، زوجین، زوجان و أزواج آمده است. این واژه در بیشتر موارد (تقریباً ۶۷ مورد) به معنای زن و مرد به‌عنوان همسر یا قرین مذکر و مؤنث در انسان، حیوانات و گیاهان آمده و در سایر موارد (۱۴ مورد) برای بیان قرین و همنشین یا صنف و نوع به کار رفته است. همچنین، در ۳ مورد به گونه‌ای به کار رفته است که مفسرین از آن برداشت زوجیت فراگیر کرده‌اند و بر تمامی مخلوقات خداوند، حتی آن دسته از موجودات ناشناخته برای بشر نیز صدق می‌کند.

با ریشه‌شناسی و معناشناسی تاریخی - تطبیقی این ماده دریافته می‌شود با معانی تقریباً مشابهی در زبان‌های عبری، آرامی، سریانی و حبشی هم‌خانواده عربی و اصل سامی و نیز در یونانی و ارمنی اصل هند و اروپایی نیز به کار رفته است؛ امری که نشان‌دهنده آن است که این واژه، قدمتی به اندازه قدمت تورات و در زبان‌های مذکور کاربردهای یکسان و گاهی متفاوت داشته است که دلالت بر وام‌واژگی آن در ساختار و معنا دارد.

در این مقاله، با استفاده از معناشناسی تاریخی واژگان که مطالعه تحول معنایی یک واژه در گذر زمان است (صفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۵) و نیز با استفاده از ریشه‌شناسی، ساخت و معنای واژه «زوج» در زبان‌های سامی و هند و اروپایی بررسی شده است. روش ریشه‌شناسی نیز مطالعه کهن‌ترین معنای ریشه واژگان و کشف دلالت لغوی آنها با تکیه بر قدیم‌ترین اطلاعات به‌جامانده است. کاربرد این روش از گذشته‌های دور در میان دانشمندان زبان رواج داشته و البته در سده‌های اخیر با گسترش آگاهی درباره زبان‌های باستانی، از پیشرفت چشمگیری برخوردار

شده است. ریشه‌شناسی نوین بر این پایه استوار است که بسیاری از زبان‌ها در اصل نیای مشترکی دارند؛ بنابراین، می‌توان با مطالعه تطور معنایی واژگان هم‌ریشه در گذر زمان و در فرهنگ‌های مختلف، معانی متفاوت آن ریشه را به یک یا دو معنای مشترک برگرداند و حتی به تاریخ‌گذاری تقریبی رواج هر یک از این معناها دست یافت. (Dolgopolsky, 2008, 7-83)

وجود این واژه و مشتقاتش در دو شاخه مهم زبانی آفروآسیایی و هند و اروپایی این سؤال را به دنبال دارد که خاستگاه این ماده از کجاست و آیا پراکندگی آن در مناطق آسیایی و اروپایی و حضور آن در کتب مقدس دلالت بر اهمیت آن دارد. گرچه مشخص کردن خاستگاه این ماده کار دشواری است، شاید بررسی پیش رو کمکی به این امر بکند.

با توجه به اینکه پژوهش به شیوه تاریخی انجام می‌گیرد و درصدد است سیر تحول ریشه‌ای و معنای واژه مدنظر را بررسی کند، به بررسی ریشه و معنای این واژه براساس تقدم زمانی زبان‌های مدنظر نسبت به قرآن کریم پرداخته می‌شود تا بر اساس آن، تغییرات و تحولات معنایی این کلمه در قرآن کریم آشکار شود.

پیشینه تحقیق:

در پیشینه مفهوم‌شناسی «زوج» و مشتقاتش، پژوهش‌هایی به شرح ذیل انجام شده‌اند:

۱- مقاله «بازخوانی مفاهیم زوج و زوجیت در قرآن» از پروین بهارزاده، در مجله تحقیقات علوم قرآن، دوره ۱۰، شماره ۲ - شماره پیاپی ۲۰، زمستان ۱۳۹۲، نویسنده در این مقاله وجوه و مصادیق زوج را در قرآن، استخراج و سپس به روابط میان زوج با

زبان‌ها داده می‌شود. این خانواده تقریباً شامل تمام زبان‌های اروپا و فلات ایران و بخش شمالی شبه‌قاره هند می‌شود. کوچگری اروپاییان در پانصد سال گذشته دامنه زبان‌های هند و اروپایی را در سراسر آمریکای شمالی، جنوبی و مرکزی و همچنین، در استرالیا گسترش داده است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۵) و دیگری زبان آفروآسیایی است که شامل شاخه‌هایی چون سامی، مصری، بربری، کوشی، چادی و ... می‌شود؛ هر یک از این شاخه‌ها و زبان‌ها به زیرشاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که در پهنه غرب آسیا و نیمه شمالی آفریقا بدان‌ها تکلم می‌شده است. شاخه سامی تنها شاخه آسیایی این خانواده زبانی است (Orel and Stolbova, 1995, X-XIII).

براساس تقسیم‌بندی برخی از زبان‌شناسان، زبان سامی به شاخه‌های شمالی، جنوبی و شرقی تقسیم می‌شود (رک: ولفنسون، ۱۹۲۹، ص ۲۰).

در ادامه، ماده «زوج» در مهم‌ترین زبان‌های سامی براساس تقسیم پیش‌گفته بررسی می‌شود که هم‌زمان با نزول قرآن کریم و پیش از آن (قرن هفتم میلادی به قبل) رواج داشته‌اند.

۱. زبان‌های سامی شاخه شمالی: این زبان‌ها شامل زبان‌های عبری، آرامی، سریانی و مندایی است. کاربرد ماده [ز و ج] در کلیه زبان‌های نامبرده وجود دارد که توضیح ذیل به آن می‌پردازد.

۱-۱. زبان عبری: زبان عبری یکی از زیرمجموعه‌های زبان کنعانی است که از اواخر سده ۱۲ تا سده‌های دوم یا یکم پیش از میلاد گفتگو می‌شده و از جمله در نگارش تَنَخ (کتاب مقدس یهودیان) استفاده می‌شده است. پس از آن تا قرن پنجم میلادی، تنها صورت مکتوب آن در بعضی متون دینی

«امراه» و «بعل» را واکاوی و مشخصه‌های زوجیت را از منظر قرآن بررسی کرده است.

۲- مقاله «نقد شیوه معاشناسی ایزوتسو با تأکید بر واژه زوج» از انسیه برومندپور، ارائه شده در نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی، سال ۱۳۹۵، نویسنده به معاشناسی واژه زوج براساس روابط همنشین‌ها و جانشین‌ها پرداخته و تلاش کرده است حوزه معنایی واژه را در قرآن استخراج کند.

۳- مقاله «مفهوم‌شناسی دو واژه زوج و امراه» از محمد شریفی و مریم صحرائی در مجله دو فصلنامه تفسیرپژوهی دوره ۴، شماره ۷ بهار و تابستان ۱۳۹۶. تأکید نویسندگان در این مقاله بر زوجیت زن و مرد است. بر اساس این پژوهش، اعتقاد به خدا، سکونت و آرامش، مؤدت و رحمت از مهم‌ترین مؤلفه‌های زوجیت به‌شمار می‌آیند و عواملی مانند ارتداد، طلاق و فوت موجب ابطال زوجیت زن و مرد می‌شوند.

تفاوت پژوهش حاضر با موارد بالا در این است که هیچ‌کدام به تبارشناسی واژه در زبان‌های سامی و هند و اروپایی نپرداخته‌اند؛ در حالی که این موضوع، محور اصلی این پژوهش است. تمایز دیگر این مقاله، استناد مکرر به شواهد و مصادیق عهدی برای توضیح و تبیین مطالب است.

کاربرد ماده «زوج» در زبان‌های آفروآسیایی بخش سامی

از نظر زبان‌شناسی، دو خانواده بزرگ زبان از مهم‌ترین شاخه‌های اصلی زبان‌های خاموش، نیمه‌خاموش و زنده دنیا هستند. یکی زبان هند و اروپایی است و آن نامی است که به خانواده بزرگی از

واژه **שְׁנָהִים** (shenahim) معادل اثنین است؛ به این صورت که دو حرف آخر آن **ים** (yim) علامت جمع و مثنی است؛ زیرا در زبان عبری این پسوند، هم علامت جمع و هم علامت مثنی است. اصل واژه **שְׁנָה** (shena) از مصدر **שָׁנָה** (shānāh) معادل «ثنی» عربی و به معنای تکرارکردن، دو برابر شدن، تغییردادن است. در زبان عربی نیز «ثنی» به معنی تا کردن و دولا کردن و «ثنی» به معنی تکرارکردن، افزودن و دوباره انجام دادن کاری است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۱۵).

توضیح بیشتر اینکه حرف **ש** (sh) معادل شین عربی است. ساختار آن متشکل از سه دندان است و با سه دندان شین مطابقت دارد. حرف **נ** (n) گرچه شباهتی با نون عربی ندارد، تلفظ یکسان دارد. حرف **ה** (h) در بیشتر اسم‌های عبری به صورت الف تلفظ می‌شود؛ بنابراین، دو واژه **שְׁנָהִים** (shenahim) و «اثنین» در قرآن و عهدین معادل هم بوده و در موضوع کشتی نوح به یک معنا به کار رفته‌اند؛ اما اینکه چرا در داستان حضرت نوح(ع) در قرآن زوجین با اثنین آمده است، ولی در عهد عتیق اینگونه نیست، احتمالاً این ماده (زوج) در آن عصر در زبان عبری وجود نداشته است.

۱-۱-۲. واژه **אִשְׁשָׁה** (ishshah) معادل همسر یکی دیگر از مترادف‌های زوج در عهد عتیق واژه **אִשְׁשָׁה** (ishshah) به معنای همسر و زوج است (پیدایش، ۳:۱۷؛ ۴:۱۷؛ ۲۰:۱۷؛ خروج ۱۸:۵؛ مزامیر ۹:۱۰۹؛ امثال ۱۸:۲۲). در داستان حضرت نوح(ع) که خداوند به ایشان دستور می‌دهد از هر نوعی جفتی یا زوجی در کشتی بیاورد، برای اصطلاح زوج به معنی «همسر انسان» از واژه (ishshah) استفاده شده که

- از جمله در مکتوبات کشف‌شده از قُمران (در ساحل دریای مرده در جنوب اریحا واقع در فلسطین اشغالی) و همچنین در نگارش میشنا (نخستین ویرایش از تورات شفاهی) و مدراش (تفسیر تورات) - کاربرد داشته است (خوانین‌زاده، ۱۳۹۴، ص ۸۴).

درخصوص کاربرد واژه «زوج» در زبان عبری، براساس پژوهش‌های انجام‌شده باید گفت در متون کهن عبری معادل چنین واژه‌ای دیده نمی‌شود. گویی که این واژه را در عبری قدیم اصلاً نمی‌شناخته‌اند و در فرهنگ‌های معتبر عبری مربوط به دوره‌های میانه و متأخر این زبان راه یافته و معادل زوج در این فرهنگ‌ها، واژه **[א זוג]** (zog) به معنای زوج، جفت، همسر، با هم جور بودن است (Klein, p.195). دو حرف **א** (Z) و **ו** (واو) با کمی تصرف، شباهتی به حرف زاء و واو عربی دارد؛ اما **א** (g) هیچ شباهتی به جیم عربی ندارد و تلفظ واژه در عربی و عبری یکسان است.

در هر حال، اگرچه این واژه در عهد عتیق عبری وجود ندارد، چند مترادف برایش ذکر شده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱-۱-۱. واژه **שְׁנָהִים** (shenahim) معادل «اثنین» یکی از موضوعات مشابه در قرآن و عهد عتیق، داستان حضرت نوح(ع) است. از جمله موارد مشابه، بردن حیوانات به کشتی است. خداوند به حضرت نوح می‌فرماید از هر حیوانی جفتی در کشتی بیاورد. این موضوع در پیدایش (۶: ۹) و در قرآن سوره مؤمنون آیه ۲۷ به آن اشاره شده است؛ با این تفاوت که در عهد عتیق با واژه **שְׁנָהִים** (shenahim) و در قرآن با عبارت «رُؤُوسِ اثنین» آمده است.

۱-۳. واژه « זָמַן » (tsemed) به معنای اتصال و بستن حیوانات به یوغ

یکی از مترادف‌های زوج در عهد عتیق واژه « זָמַן » (tsemed) به معنای ۱. متصل کردن، بستن، بستن حیوانات به یوغ [چوبی که به گردن دو حیوان می‌بندند تا دو حیوان جفت شود برای شخم کردن زمین] و جفت است (جنیوس ص ۸۹۶-۸۹۷). ۲. یک جفت گاو در (اول سموئل، ۱۱:۷؛ ۱۴:۱۴؛ اول پادشاهان، ۱۹:۱۹) ۳. دو در (داوران، ۱۰:۱۹؛ دوم پادشاهان، ۵:۱۷) است.

بررسی‌های فوق از مترادف‌های زوج، حکایت از این دارد که تا زمان تکمیل کتابت عهد عتیق عبری، در مناطق یهودی‌نشین که منطقه‌ای وسیعی بوده، ماده [ز و ج = ז ג (zog)] وجود نداشته‌است؛ زیرا با این تعداد مترادف در عهد عتیق این سؤال مطرح می‌شود که چرا یک بار هم این واژه به کار برده نشده‌است، در حالی که در عهد جدید و قرآن فراوان کاربرد دارد.

۱-۲. زبان آرامی ترگومی. یهودیان مقیم بابل پس از چند نسل، دیگر توان مراجعه به متن مقدس نداشتند؛ بنابراین، دومین کار اساسی را به ثمر رساندند. ایشان در این برهه زمانی، متن مقدس عبری را به آرامی ترجمه کردند که با نام "ترگوم" شهرت یافت (Gale, 2003, vol.13, p.760).

در آرامی ترگومی واژه « זָמַן » (zog) به معنای پیوستن، جورکردن، زوج، جفت و همسر است (Jastrow, 1903, pp.383-384). این امر نشان می‌دهد در زمان ترجمه عهد عتیق به آرامی، این ریشه در بین آنان معروف بوده‌است. با توجه به اینکه زبان آرامی از شاخه شمالی است، می‌توان نتیجه گرفت خاستگاه یا مسیر انتقال این واژه از مناطق شمالی

این واژه با کلمه (shenahim) به معنی اثنین، متفاوت است؛ تمایزی که در جایگاه خود تأمل‌پذیر است (پیدایش، ۶:۱۸). به عبارت دیگر، در عتیق برای زوج حیوانات از واژه‌ای و برای زوج انسان به معنای همسر از واژه‌ای دیگر استفاده شده‌است؛ در حالی که در قرآن در برخی موارد اینگونه نیست و ماده زوج در هر دو مورد به کار رفته‌است.

واژه مخصوص همسر در عهد عتیق، جنس مؤنث همین واژه است. این واژه از ماد שָׁנַה (anash) به معنای ضعیف و مریض بودن است (Gesenius, 1882, p.73). ارنست کلین اصل این واژه را اکدی به معنای مریض شدن دانسته و آن را معادل «أنث» عربی به معنای مؤنث آورده‌است (Klein, 1987, p.42)؛ البته معنای این ماده در زبان اکدی به معنای «ضعیف» است و نه «مریض» و ذیل آن اشاره‌ای به جنس مؤنث نشده‌است (Civil, 1968, p.145). در هر حال، احتمالاً وجه تسمیه همسر با ضعیف و مریض از این نظر باشد که ایام قاعدگی زنان دلالت بر مریضی دارد و سبب ضعیف شدن جسم می‌شود یا احتمالاً ریشه در نگرش فرهنگ باستان به جنس زن دارد.

در قرآن نیز مشتقات «أنث» به معنای جنس مؤنث و نه همسر و زوجه به کار رفته‌است و این نشان می‌دهد قرآن بین معنای زوج و أنث تفاوت قائل است. شاهد آن دو آیه «وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (نجم: ۴۵) (و هم اوست که دو نوع می‌آفریند: نر و ماده) و همچنین (قیامت: ۳۹) است که منظور از زوج، نوع و صنف (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۱۵) و منظور از أنثی جنس مؤنث است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۱۱۷).

سامی نشین مانند سوریه، جنوب ترکیه و شمال عراق بوده است.

۳-۱. زبان سریانی

گرچه امروزه زبان سریانی جزو زبان‌های نیمه‌خاموش و در حال انقراض به حساب می‌آید، روزگاری یکی از مهم‌ترین زبان‌های قومی بزرگ در مناطقی از آسیا از جمله سوریه، عراق، بخش‌هایی از ترکیه و ایران بوده است. بخشی‌هایی از کتاب دانیال، عزار و نحیا از عهد عتیق به زبان سریانی نگاشته شده‌اند. همچنین، حضرت مسیح(ع) و مادرش حضرت مریم(ع) به این زبان سخن می‌گفته‌اند (اقلیمس، ۱۸۷۹، ص ۸). گرچه عهد جدید در ابتدا به زبان یونانی نوشته شد، به سرعت ترجمه‌هایی از آن به زبان سریانی انجام شد. اکنون نیز ترجمه‌های متعددی به این زبان از عهد جدید وجود دارد. با این مقدمه کوتاه، واژه «زوج» در این زبان بررسی می‌شود.

در زبان سریانی واژه ܙܘܓ (ZOG) معادل زوج عربی به معنای «جفت»، «همسر» و «رفیق» است (Costaz, 2002, p.85). فرهنگ منا آن را «نقیض فرد» و به معنای «همسر» و «بعل» آورده است (منا، ص ۲۲۸). ریخت واژه سریانی، شباهت نزدیکی به زوج عربی دارد. این واژه در عهد جدید به زبان سریانی (پشیتا) به وفور ذکر شده است. اینک معانی و مصادیق این واژه در پشیتا ارائه می‌شود.

۱-۳-۱. زوج به معنای «جفت»

زوج در عهد جدید به معنی جفت، بیشتر برای حیوانات به کار رفته است؛ مانند جفت کبوتر (لوقا، ۲:۲۴)، جفت گاو (لوقا، ۱۹:۱۴).

۱-۳-۲. زوج به معنی «ازدواج کردن»

«ازدواج کردن» یکی دیگر از معانی است که برای زوج در مجموعه عهد جدید آمده است؛ مانند (متی، ۱۹:۶؛ مرقس، ۱۰:۹؛ اول قرنتیان، ۷:۹؛ اول تیموتائوس، ۴:۳). در اول تیموتائوس در احوال آخرالزمان از زبان روح القدس آمده است که در آخر [آخرالزمان] برخی از ایمان بر می‌گردند، دنباله‌رو شیاطین، ریاکار، دروغگو هستند و از ازدواج ممانعت می‌کنند و خوردن برخی از خوارکی‌ها که خداوند حلال کرده است را قدغن می‌کنند (اول تیموتائوس، ۳، ۲، ۱:۴).

با وجود اینکه در عهد جدید واژه ܙܘܓ (ZOG) به معنای ازدواج کردن است، واژه مخصوص جنس مؤنث در عهد جدید «أنث» است؛ اینکه در زبان سریانی و مندائی واژه «ܙܘܓ» (antath) به معنای زن است (Costaz, p.14)، مناص ۳۵). سه حرف الف - نون - ثاء در این واژه با «أنث» عربی مشترک است. در عهد جدید بالغ بر صد بار از مشتقات این واژه به معنای همسر و جنس مؤنث آمده است (متی، ۲۱، ۴، ۳:۱۴؛ مرقس، ۳۳، ۲۵:۵؛ لوقا، ۱۸، ۱۳، ۵:۱؛ اعمال رسولان، ۷، ۱:۵ و ...).

۱-۳-۳. زوج به معنی «همکار»

«همکار» یکی از معانی شایان توجه در عهد جدید برای این ریشه است که در فیلیپیان آمده است. «و از تو نیز ای همکار وفادار، تقاضا دارم که این دو بانو را یاری کنی؛ زیرا همراه با اکلیمتس و دیگر همکارانم که نامشان در دفتر حیات نوشته شده است، دوشادوش من برای کار انجیل مجاهده کرده‌اند» (فیلیپیان، ۴:۳).

۱-۳-۴. زوج به معنی «یوغ»

«جفت» و «یوغ» است. از این دو مصداق، جفت برای حیوانات به‌وفور همانند سبعینه در پیشیتا نیز آمده است؛ در حالی که مصداق دوم برخلاف حضور پُررنگ در سبعینه در پیشیتا فقط یک بار ذکر شده است. «زوج» در معنای «ازدواج کردن» در پیشیتا حاکی از آن است که فرهنگ مسیحی، معنای رومی واژه را توسعه داده و معنای جدید ساخته‌است، سپس واژه‌پژوهان سریانی، این معنا را ذیل واژه در معاجم نگاشتند.

در عهد جدید، واژه «زوج» به معنای «یوغ» فقط یک مرتبه به کار رفته است. «زیر یوغ ناموافق با بی‌ایمانان مروید؛ زیرا پارسایی و شرارت را چه پیوندی است و نور و ظلمت را چه رفاقتی؟» (دوم قرن‌تیان، ۶:۱۴) به نظر، یوغ باید معنای اول این واژه و بقیه معانی منشعب از آن دانسته شود؛ به طوری که در آرامی ترگومی هم وجود داشت و چنانکه بعداً نیز خواهیم دید در یونانی نیز وجود دارد.

۲. زبان‌های سامی جنوبی

زبان‌های سامی جنوبی به زبان‌هایی گفته می‌شود که در شبه‌جزیره عرب و بخشی از شاخ آفریقا از هزاره نخست پیش از میلاد مسیح (ع) گفتگو می‌شده است. این گروه مشتمل بر زبان‌های عربی جنوبی، حبشی و عربی شمالی است.

در پژوهش حاضر، کاربرد واژه «زوج» در زبان «حبشی» و همچنین، گویش «سبئی» - گویش متعلق به سرزمین سبأ در شمال یمن کنونی - بررسی می‌شود که یکی از گویش‌های زبان عربی جنوبی کهن به‌شمار می‌آید (Moscatti, 1980, p.14).

در زبان سبائی شاهدی از ریشه و مشتقات واژه زوج وجود ندارد (رک: فرهنگ لغت سبایی، Ghul, Beeston, ۱۹۸۲)؛ اما واژه zog H Ø۱ در زبان حبشی به معنای پیوستن، جفت، برابر بودن (dillmann, n.d, p.1061) آمده است. همچنین، این واژه در زبان حبشی به معنای «همسر» به کار نرفته و این امر مؤید خوبی است که معنای اصلی و اولیه واژه «زوج» «پیوستن» است.

جدول ۱: واژه‌های مرتبط با «زوج» در زبان‌های سامی شاخه شمالی

ردیف	زبان	اصل واژه	واژه معادل	معنا
۱	عبری کهن	-----	Shenahim	اثنین
			Ishshah	همسر
			Anash	زن (جنس مونث)
			Tsemed	اتصال و بستن حیوانات، یوغ
۲	عبری میان و متأخر	Zog	-----	زوج، جفت، همسر و با هم جور بودن
۳	آرامی ترگومی	Zog	-----	پیوستن، جور کردن، زوج، جفت، همسر
۴	سریانی	Zog	-----	جفت، ازدواج کردن، همکار، یوغ

تحلیل زبان‌شناختی - فرهنگی کاربرد واژه «زوج»

در زبان‌های سامی شاخه شمالی

شواهد زبان سریانی نشان می‌دهند در عصر ظهور عهد جدید، معنای غالب واژه «پیوستن» است. این معنا اقتباس از فرهنگ یونانی حاکم بر فلسطین بعد از مرگ اسکندر مقدونی است. از مهم‌ترین مصادیق آن،

پراکندگی این ریشه در منطقه بین‌النهرین از شمال تا حاشیه جنوبی و شمال آفریقا و فقدان آن در حاشیه شرقی یعنی محل زیستگاه اکدی‌زبانان نشان از آن دارد که امتداد شمال به جنوب به واسطه عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی در رواج این ریشه مؤثر بوده است.

۳. زبان‌های هند و اروپایی

ماده [ز و ج] در برخی از زبان‌های اروپایی، از جمله زبان‌های یونانی و ارمنی وجود دارد.

۳-۱. زبان یونانی

واژه «زوج» در زبان یونانی در دو قالب اسمی و فعلی وجود دارد.

قالب فعلی این ماده ζευγώνω (zevgono) به معنای «جفت‌کردن» و «وصل کردن» است (Liddell & Scott, 1996, p.280).

و قالب اسمی آن در واژه ζεύγος (zevgos) به معنای «یک جفت حیوان»، «یک جفت قاطر» و همچنین، به معنای «گاو نر» (Liddell & Scott, 1996, p. 280) و واژه ζευγμα (zevgma) به معنای «وسیله‌ای که دو چیز را به هم وصل می‌کند»، «باند» و «بند» (Liddell & Scott, 1996, p.280) به کار رفته است.

هر سه حرف (ζ=ز - ο=و - γ=ج) در کلمه یونانی وجود دارد. معنای محوری واژه یونانی، «بستن و وصل کردن» است. از مصادق بارز بستن و وصل کردن، «بند» و «یوغ» است. معانی دیگر به قرابت معنای «وصل کردن» حاصل شده است؛ برای مثال، به چوبی که دو حیوان را به هم نزدیک می‌کند، «یوغ»

جدول ۲: واژه‌های مرتبط با «زوج» در زبان‌های سامی شاخه جنوبی

ردیف	زبان	اصل واژه	واژه معادل	معنی
۱	حبشی	Zog	-----	پیوستن، جفت، برابر بودن
۲	سبئی	-----	-----	-----

تحلیل زبان‌شناختی - فرهنگی کاربرد واژه «زوج»

در زبان‌های سامی جنوبی

با توجه به اینکه در زبان‌های سامی شاخه جنوبی این واژه فقط در زبان «حبشی» آمده است، این فرض قوت می‌یابد که کاربرد این واژه در زبان حبشی از قبیل «وام‌واژگی» است و این احتمال را تقویت می‌کند که واژه مذکور از یونانیان ساکن مصر به سبب همجواری با مناطق جنوبی قرض گرفته شده باشد. مؤید این فرضیه آن است که یونانیان مصری معنایی غیر از «پیوستن» و معانی نزدیک به «پیوستن» برای آن به کار نگرفته‌اند و این به روشنی در نسخه «سبعینیه» ظهور یافته است.

مؤید دیگر اینکه در این زبان واژه «אָנאָ» (anas) به معنای زن، همسر و جنس مؤنث است (dillmann, pp. 771-772). با توجه به اینکه الفبای حبشی حرف ثاء ندارد، احتمالاً حرف سین در این واژه معادل ثاء عربی است؛ بنابراین، حرف ثاء اصل است نه سین؛ زیرا تلفظ حرف آخر این واژه در عبری، سریانی و عربی، ثاء است.

شاهد اخیر و نمونه‌های عبری، سریانی و عربی حکایت از آن دارد که در زبان‌های سامی ماده [آن ث] برای جنس مؤنث، زن و همسر وضع شده است؛ در حالی که ماده [ز و ج] در اصل برای جنس مؤنث وضع نشده است؛ بلکه بعدها توسعاً همسر معنا شد.

می‌گویند. همچنین، قرابت این واژه با «گاو نر» سبب شد کم‌کم در معنای «گاو نر» به کار رود؛ از این نظر که در شخم‌زدن زمین بیشتر از دو گاو نر استفاده می‌شد که با یوغ، گردن آنها را می‌بستند. کاربرد این واژه در معنای «یوغ» و همنشینی آن با «گاو» در نسخه «سبعینیه» حاکی از آن است که واژه «زوج» در این نسخه از ابتدا برای معنای «یوغ» و «گاو» وضع شده است.

یکی از معانی دیگر این واژه در زبان یونانی، «قید و بند» است و ازدواج را از این نظر گفته‌اند که اموری یا چیزهایی زن و مرد را به هم وصل، نزدیک و مقید می‌کند.

۳-۱-۱- بررسی واژه زوج در نسخه سبعینیه
از عهد عتیق دو نسخه مهم قدیمی در دسترس است: یکی به زبان اصلی، یعنی زبان عبری و دیگری به زبان یونانی که به ترجمه سبعینیه (هفتادی) معروف است. در قرن سوم قبل از میلاد عده‌ای از یهودیان به دستور بطلمیوس فیلا دلفیوس، حاکم مصر، مأموریت یافتند کتاب عهد عتیق را به زبان یونانی ترجمه کنند. با توجه به اینکه در ترجمه این کتاب، هفتاد دانشمند یهودی همکاری داشتند، به نسخه سبعینیه (هفتادی) معروف شد. تفاوت نسخه عبری با یونانی در این است که برخی از کتاب‌های موجود در نسخه یونانی، در نسخه عبری آن وجود ندارد. افزون بر آن، برخی از کتاب‌ها در نسخه یونانی مفصل‌ترند (سلیمانی، ۱۳۷۸ش، ص ۱-۲).

دو واژه معادل زوج و جفت در نسخه سبعینیه به کار رفته است.

۱. واژه $\delta\acute{\upsilon}\sigma$ (dio) به معنی عدد «دو» و «جفت و

زوج».

واژه $\delta\acute{\upsilon}\sigma$ (dio) هم به معنای عدد «دو» و هم به معنای جفت و زوج است (پیدایش، ۶:۱۹؛ اول سموئیل، ۱۱:۷؛ همچنین، سراسر نسخه) که در تلفظ و معنا شباهت زیادی با کلمه «دو» فارسی دارد و در برخی عبارات، نسخه سبعینیه در معنای جفت‌جفت این واژه تکرار شده است.

۲. واژه $\zeta\epsilon\upsilon\gamma\eta$ (zevgi) به معنی یوغ

معنای غالب این واژه در سبعینیه یوغ است (پیدایش، ۲۷:۴۰؛ اعداد، ۱۹:۲؛ همچنین، سراسر نسخه). این واژه ترجمه واژه عبری לול (ole) است. سه حرف (כ=ز - ו=و - ח=ج) در این ماده نشان می‌دهد ماده «زوج» در بین یونانی زبانان مصری در قرن سوم قبل از میلاد رواج داشته است؛ اما اینکه عبری‌زبانان نیز با آن آشنا بوده‌اند، مدرکی دال بر آن، دست‌کم در عهد عتیق عبری وجود ندارد. در بخش بررسی واژه «زوج» در زبان‌های هند و اروپایی درباره این واژه اطلاعات بیشتری ارائه می‌شود.

عدم وجود ماده (ز - و - ج) در عهد عتیق عبری و حضور این ماده در سبعینیه دلیلی است که این ماده در زبان یونانی رواج داشته و احتمالاً خاستگاه این ماده زبان‌های هند و اروپایی است.

۳. واژه $\gamma\upsilon\upsilon\eta$ «gyní» به معنی همسر

واژه مختص همسر در سبعینیه « $\gamma\upsilon\upsilon\eta$ » «gyní» است (پیدایش، ۲:۲۵؛ ۳:۸؛ همچنین، سراسر نسخه). از مشتقاتش به معنای همسر واژه « $\gamma\upsilon\upsilon\alpha\acute{\iota}\kappa\alpha$ » (gynaika) بارها در سبعینیه وجود دارد (پیدایش، ۲:۲۴؛ خروج، ۲:۲۱؛ لایوان، ۱۸:۸؛ همچنین، سراسر نسخه). این به‌خوبی نشان می‌دهد تا قرن سوم قبل از میلاد نه یهودیان عبری‌زبان و نه یهودیان یونانی‌زبان،

ماده [ز و ج] را برای نکاح مصطلح و همسر و زن به کار نبرده‌اند و این واژه برای این معنا وضع نشده بوده است. مؤید این مطلب کاربرد مشابه عهد جدید یونانی از این واژه است که در ادامه خواهد آمد.

۳-۱-۱. کاربرد واژه یونانی «زوج» در عهد جدید

تمامی بخش‌های عهد جدید [در آغاز] بدون استثنا به زبان یونانی نگاشته شده‌اند (سیار، ۱۳۸۷، ص ۶۴). معادل زوج در تمامی نسخ یونانی عهد جدید واژه ζευγος (zevgos) است. این نشان می‌دهد این واژه در بین یونانی‌زبانان، به‌طور کامل شناخته شده و رواج داشته و به تبع آن، در کتاب مقدس به کار رفته است. در ادامه، نمونه‌هایی از کاربرد این واژه یونانی در عهد جدید بیان می‌شود.

۱. «زوج» به معنای «جفت»

در انجیل لوقا، واژه «زوج» به معنای «جفت» آمده است « και του δουναι θυσιαν κατα το ειρημενον εν τω νομω κυριου ζευγος τρυγονων η δυο νοσσοις περιστερων (لوقا، ۲:۲۴)؛ یعنی «و نیز طبق آنچه در شریعت خداوند نوشته شده است، قربانی ای تقدیم کنند؛ یعنی یک جفت کبوتر یا دو جوجه قمری». در عبارت فوق، واژه ζευγος (zevgos) در تمامی نسخ عهد جدید یونانی به همین شکل آمده است (رک: لوقا، ۱۹:۱۴).

۲. «زوج» به معنای «پیوستن» و «یکی شدن»

در انجیل متی و مرقس، واژه «زوج» به معنای پیوستن و یکی شدن آمده است (متی، ۱۹:۶؛ مرقس، ۱۰:۹). موضوع این آیه «ازدواج» است و چنین بیان می‌دارد که مرد و زن وقتی ازدواج کردند، یکی

می‌شوند و دیگر دو تن نیستند. در این آیه، واژه مدنظر، συνέζευξεν (synezefxen) است. در این عبارت، مراد از ازدواج «یکی شدن» و «پیوستن» است که ناظر به معنای اولیه این واژه در زبان یونانی است.

۳. «زوج» به معنای «یوغ»

یکی دیگر از معانی «زوج» در عهد جدید، یوغ است (دوم قرتیان، ۶:۱۴). در این آیه، واژه ζυγουντες (zygountes) آمده است. این شاهد خوبی است که معنای اصلی این ماده، چیزی است که موجب پیوستگی می‌شود و دو چیز را برابر و مطابق هم قرار می‌دهد؛ به طوری که در تعریف «یوغ» پیش‌تر اشاره شد.

۴. زوج به معنای «قرین و همکار»

واژه συζυγε (syzyge) به معنای قرین و همکار (فیلیپیان، ۴:۳) شاهد آیه فوق است.

در تحلیل کاربرد واژه یونانی زوج در عهد جدید باید گفت تمامی نسخ یونانی عهد جدید برای «نکاح» و «ازدواج» واژه غیر از ماده [ز و ج] آورده‌اند؛ در حالی که نسخ سریانی، «زوج» را در معنای «نکاح» نیز آورده‌اند و با توجه به مبنای بودن متون یونانی، حکایت از توسعه معنای واژه در دوره بعد به دست سریانی‌زبانان دارد.

۳-۲. ارمنی

در زبان ارمنی، معادل [ز و ج] واژه qnıjq (zuyg) به معنای زوج، جفت، همسر است.^۱ وجود این واژه در زبان ارمنی از دو نظر محتمل است. ارمنستان به شهر ادسا (رُها = اورفا) در جنوب ترکیه

^۱. <https://hy.wiktionary.org/wiki/qnıjq>

جدول ۳: واژه‌های مرتبط با «زوج» در زبان‌های هند و اروپایی

معنی	واژه معادل	اصل واژه	زبان	ردیف
جفت‌کردن، وصل کردن	-----	Zevgino (فعلی)	یونانی	۱
یک جفت حیوان، یک جفت قاطر، گاو نر	-----	Zevgos (اسمی)		
وسیله‌ای که دو چیز را به هم وصل می‌کند، بانده، بند	-----	Zevgma (اسمی)		
یوغ	-----	Zevgi	یونانی (سبعینیه)	
دو	(dio)			
همسر	gyni			
جفت	-----	Zevgos	یونانی (عهد جدید)	
پیوستن و یکی شدن	Synezefxen			
یوغ	Zygountes			
قرین و همکار	Syzyge			
زوج، جفت، همسر	-----	Zuyg	ارمنی	۲

امروزی نزدیک است. این شهر مرکز گسترش زبان سریانی و یکی از مهم‌ترین مراکز تعلیم و تدریس این زبان است (رک: اقلیمس، ۱۷۸۹، ص ۸)؛ بنابراین، محتمل است واژه از زبان سریانی به ارمنی راه یافته باشد.

و همچنین، حضور یونانیان بعد از حمله اسکندر مقدونی در آسیای صغیر و مناطق دیگری چون مصر و ایران برای چندین قرن (رک: ابن‌خلدون، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۱۳۶)، فرض انتقال واژه از زبان یونانی به ارمنی را تقویت می‌کند.

به نظر، احتمال دوم قوی‌تر است؛ زیرا زبان سریانی در شهر ادسا مقارن ظهور اسلام در شکوفایی بوده است (رک: الطحلاوی، ۱۹۳۲، ص ۹۸)؛ در حالی که حضور یونانیان در مناطق مدنظر به چند قرن قبل از میلاد مسیح بر می‌گردد. همچنین، در ترجمه «سبعینیه» که به سه قرن قبل از میلاد بر می‌گردد، این واژه به‌وفور در معنای «یوغ» و «گاو نر» آمده است.

با توجه به مطالبی که گذشت احتمال اینکه این واژه، اصلی یونانی داشته باشد تا سامی، بیشتر است؛ به این دلیل که در عهد عتیق عبری باوجود کاربرد فراوان مترادف‌های کلمه زوج، حتی یک شاهد از واژه [זוג] (zog) وجود ندارد که این موضوع گواه بر آن است که عبری‌زبانان این واژه را نداشته و با آن آشنا نبوده‌اند. حال این سؤال پیش می‌آید که از چه زمانی این واژه به عبری راه یافته است. در جواب باید گفت از زمانی که یونانیان، ساکن مصر و مناطق همجوار شدند و به ترجمه عهد عتیق اقدام کردند. همچنین، نبود این واژه در زبان اکدی و بخش شرقی سامی زبان‌ها احتمال غیر سامی بودن واژه را تقویت می‌کند.

بررسی واژه زوج در زبان عربی و اشعار جاهلی

۱. واژه زوج در فرهنگ عربی

چند معنا برای واژه «زوج» در فرهنگ‌های لغت عرب آمده است:

- «نوع و گونه»؛ «نر و ماده»: صاحب‌العین «زوج» را به معنای نوع و گونه دانسته است؛ مانند «من کلّ زوج بهیج» (حج: ۵) و زوجان را به معنی «نر و ماده» می‌آورد و می‌گوید: زوجان من الحمام؛ یعنی نر و ماده؛ مثل آیه: «فاسلك فیها من کلّ زوجین اثنين» (مؤمنون: ۲۷). (فراهیدی، ۱۳۸۳ق، ج ۶، ص ۱۶۶).

۲. «مقارنت اشیا با یکدیگر»: ابن فارس در معنای زوج بر اصل مقارنت اشیا با یکدیگر تأکید دارد و معانی مختلف زوج را نیز بر همین اساس استنباط می‌کند؛ چنانکه در آیه «وَ اُنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»، واژه زوج را معادل نوع می‌داند و معتقد است هر نوع از چیزی با نوع دیگری که با آن مشابهت دارد، جفت می‌شود (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۳۵).

۳. «معنای عددی ضد فرد»: برخی دیگر از لغت‌شناسان زوج را «ضد فرد» معنا کرده‌اند (ابن‌درید، ۱۹۸۷ق، ج ۱، ص ۴۷۳؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۱).

۴. «قرین و همنشین»: فیروزآبادی علاوه بر معانی فوق برای واژه زوج، معنای «قرین و همنشین» نیز در نظر آورده است. او «زَوْجَانَهُمْ» را در آیه «وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ»، معادل قَرْنَاهُمْ دانسته است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۳؛ نیز رک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲). راغب نیز همین معنا را برای این آیه برگزیده است؛ به آن سبب که از نظر او، قرین شدن با حور عین بر حسب امور متعارفی از نکاح نیست که در میان مردم وجود دارد (راغب، ۱۴۱۲، ص ۳۸۵). از نظر راغب، جفت‌بودن هر چیزی به هر وجهی از این نظر است که در جفت‌بودن، محتاج هم‌اند. همچنین، ذیل آیه «وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» می‌گوید: هر آنچه در عالم است، زوج است؛ چون یا ضدی دارند که ضد هر چیز را زوج می‌گویند یا مثلی دارند که آن نیز زوج است یا با چیزی ترکیب یافته که ترکیب هم خود نوعی زوجیت است. آیات «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ» و «وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» گواه بر این است که تمامی اشیا از جوهر، عرض، ماده و صورت ترکیب یافته‌اند (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۴).

علاوه بر واژه زوج، مشتقاتش مانند «زوجین» که معادل «اثنین» است، در معنای جفت یا دو تا از هر چیز نیز به کار رفته است (رک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۲). ظاهراً «اثنین» به معنای مشابهت دو چیز از هر نظر است و «زوج» اعم از اثنین است که علاوه بر مشابهت دو چیز به معنای مقارنت دو چیز متضاد نیز هست.

واژه‌پژوهان علاوه بر معانی فوق، نوعی پوشش رنگارنگ در معنای زوج آورده‌اند که بر سقف کجاوه پهن می‌شود (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۵؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷ق، ج ۱، ص ۴۷۳). این معنا هیچ کاربردی در قرآن ندارد. با توجه به توضیحات فوق، واژه‌پژوهان عرب برای واژه زوج، معانی نوع، همنشین، زن و مرد، جفت، شبیه و پرده رنگارنگ آورده‌اند.

۲. کاربرد «زوج» در ادبیات جاهلی

در اشعار جاهلی این واژه در چند معنا به کار رفته است.

نمونه اول: در معنای نوع و گونه.

وَ كُلُّ زَوْجٍ مِنَ الدِّيَابِجِ، يَلْبِسُهُ أَبُو قُدَامَةَ، مَحْبُوبًا

بَذَاكَ مَعَا (اعشى، ۲۰۱۰م، ص ۲۸۹)

یعنی: ابوقدامه هر گونه لباس ابریشمین را می‌پوشد؛ لباس‌هایی که به او هدیه شده است.

نمونه دوم: در معنای پرده‌ای که روی کجاوه پهن می‌شود.

مِنْ كُلِّ مَخْفُوفٍ، يُظَلُّ عَصِيَّهُ زَوْجٌ، عَلَيْهِ كَلَّةٌ وَ

قِرَامُهَا (العامري، ۲۰۰۴م، ص ۱۰۸)

یعنی: در هر کجاوه‌ای پارچه رنگینی بر ستون‌های آن سایه می‌افکند که روی آن پارچه‌ای نازک و

پارچه‌هایی است که از اطراف کجاوه آویخته شده‌اند.
نمونه سوم: در معنای همسر.

ثُمَّ أَوْرَثَهُ الْفِرْدَوْسَ يَعْمُرُهَا وَزَوْجُهُ
صُنْعَةً مِنْ ضِلْعِهِ جَعَلَا (عدی بن زید،
۱۹۶۵م، ص ۱۵۹)

یعنی: سپس بهشت برین را به‌عنوان میراث به آدم داد تا آن را آباد سازد و همسرش را از پهلوی او ساخت.

جستجو در اشعار جاهلی، ما را فقط به سه بیت فوق رهنمود کرد و شواهد دیگری یافت نشد. نکته شایان توجه در این سه بیت، تنوع معنای زوج است. از معنای فوق، «همسر» و «نوع» در عصر بعد از جاهلیت پر کاربرد است؛ به طوری که شواهد فراوان آن در قرآن و غیر قرآن آمده‌اند. اشعار جاهلی حکایت از رواج واژه را در آن دوران دارد و نشان می‌دهد اعراب پیش از اسلام به‌خوبی با این واژه و معنای متعدد آن آشنایی داشته‌اند. همین آشنایی سبب کاربرد آن در متون دینی و غیر دینی پس از اسلام شده است.

کاربرد واژه «زوج» و توسعه مفهومی آن در قرآن کریم

سیر تطور واژه «زوج» در زبان‌های سامی و هند و اروپایی و نیز کتب عهدین و عرب پیش از اسلام، بررسی شد. چنانکه آمد اعراب پیش از اسلام با این معنای از واژه «زوج» آشنایی داشته‌اند: ۱- نوع و گونه (نر و ماده)؛ ۲- مقارنت؛ ۳- معنای عددی ضد فرد؛ ۴- قرین و همنشین.

چنین می‌نماید که در قرآن کریم، علاوه بر

کاربست مفاهیم معهود عرب‌زبانان درباره واژه «زوج»، این واژه کاربرد جدید نیز یافته که عبارت است از «تسری قانون زوجیت برای همه موجودات».

۱. معانی معهود اعراب از واژه «زوج» در قرآن

واژه «زوج» در قرآن کریم، در ۷۲ آیه و در مجموع، ۸۱ مرتبه به کار رفته است؛ ۵ بار به شکل ساختار فعلی در باب تفعیل و مابقی در ساختار اسمی در قالب‌های زوج، زوجین، زوجان و ازواج آمده است. معانی «زوج» در قرآن که براساس مفاهیم معهود و شناخته‌شده اعراب آمده، بدین شرح است:

۱. «زن به عنوان همسر مرد»: «وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ...» (بقره: ۲۳۴)، (رک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۷۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ ج ۱، ص ۴۸۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۶۲).

۲. «مرد در نقش همسر زن»: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ...» (بقره: ۲۳۲)، (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۲۹۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۷۷؛ میبلی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۲۴).

براساس معنای اول و دوم، معین شد در قرآن کریم این واژه، هم برای شوهر و هم برای زن به کار می‌رود. براساس دیدگاه لغویون، چنین کاربردی در قرآن براساس لهجه «حجاز» است؛ چون در این لهجه - که قرآن کریم آن را برگزیده است - به هر یک از «مرد» و «زن» زوج گفته می‌شود. در لهجه تمیم، به مرد «زوج» و به زن، «زوجه» می‌گویند (النووی، بی‌تا، ج ۱،

ص ۱۳۷).

واژه زوج در مجموعه عهد عتیق به زبان عبری کهن به کار نرفته است و در عبری میانه و متأخر، برای معانی مانند همسر، یوغ یا جنس زن آمده است. یکی از معانی زوج در متون آرامی، سریانی و یونانی همسر است که مبتنی بر معنای پیوستگی استوار شده است. این در حالی است که در قرآن کریم، برای معنای همسر، تعبیری مانند «امراه» و «نساء» وجود دارد که از بررسی علت کاربرد تعبیر مختلف برای یک مفهوم مشترک، این مهم به دست می‌آید که کاربرد زوج در قرآن دارای توسعه مفهومی است. کاربرد واژه‌های «امراه» و «نساء» در قرآن به روابط صرفاً مادی و جسمانی اشاره دارد؛ اما کاربرد واژه «زوج» به هر دو جنبه روابط مادی و معنوی میان زوجین اشاره دارد. از منظر قرآن، هر گاه سازگاری اخلاقی و اعتقادی میان زوجین وجود داشته باشد و صاحب فرزند باشند یا امید و انتظار فرزندآوری میان آنها باشد، خداوند کلمه زوج به کار برده و هر گاه یکی از این دو آسیب دیده باشد، واژه «امراه» استعمال شده است (رک: طیب حسینی، ۱۳۹۷، ص ۵۱).

واژه «بعل» تنها دو بار در قرآن به کار رفته که در یک مورد به معنای بت (صفات: ۱۲۵) و فقط در یک مورد به معنی شوهر آمده است (نساء: ۱۲۸)؛ در آیه مذکور نیز به آیت زوجیت به دلیل خیانت و نشوز مرد (یعنی توجه جنسی مرد به زنی غیر از همسر خود) بی‌توجهی شده و گویی منتفی دانسته شده است (بهارزاده، ۱۳۹۲، ص ۴۲). می‌توان گفت در قرآن میان «زوج» و «بعل» تمایز معنایی وجود دارد و این در حالی است که در زبان سریانی، زوج مترادف «بعل» دانسته شده است (منّا، ص ۲۲۸).

۳. «قرین و همنشین»: «كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عَیْنٍ» (دخان: ۵۴)، (رک: راغب، ۱۴۱۲، ص ۲۸۵؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۰۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص ۱۴۹).

۴. «صنف، نوع و گونه»: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات: ۴۹)، (رک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۳۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۲۴۲؛ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۴۶؛ مظهری، ۱۴۱۲، ج ۹، ص ۸۹).

۲. کاربرد واژه «زوج» در بیان معارف جدید در

قرآن

براساس تبارشناسی واژه «زوج» در زبان‌های آفرو آسیایی و هند و اروپایی و نیز کاربرد این واژه در متون مقدس عهد قدیم و جدید، چنین بر می‌آید که کلمه «زوج» از واژه‌های بسیار قدیمی است که از زبان یونانی و در معنای اولیه «یوغ» گرفته شده و از زبان یونانی به مشرق منتقل شده است. علاوه بر تبارشناسی این واژه، آنچه مسلم است آن است که در هر یک از زبان‌های نام‌برده، این واژه دارای بسط معنایی چشمگیری نبوده و با محوریت معنای «پیوستن»، «گره‌زدن» و «بستن» استوار شده که همان معنای محوری واژه «یوغ» است. این در حالی است که این واژه در قرآن کریم توسعه معنایی مهمی یافته و معنای مهمی را با خود به همراه آورده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود:

۱. تمایز زوج با واژگانی مانند «امراه»، «نساء» و «بعل»

۲. تمایز معنایی میان زوجیت و انثیت

مشتقات «أنث» در قرآن به معنای جنس مؤنث و نه همسر و زوجه به کار رفته است و این نشان می‌دهد قرآن بین معنای زوج و آنث تفاوت قائل است. شاهد آن دو آیه «وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» (نجم: ۴۵) (و هم اوست که دو نوع می‌آفریند: نر و ماده) و همچنین (قیامت: ۳۹) است که منظور از زوج، نوع و صنف (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۰، ص ۱۱۵) و منظور از آنثی جنس مؤنث است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲۰، ص ۱۱۷).

و این در حالی است که واژه مخصوص جنس مؤنث در عهد جدید، «أنث» است. در عهد جدید بالغ بر صد بار از مشتقات این واژه به معنای همسر و جنس مؤنث آمده است (متی، ۳: ۱۴، ۴: ۲۱؛ مرقس، ۲۵: ۵؛ لوقا، ۵: ۱۳، ۱۸؛ اعمال رسولان، ۱: ۲، ۷ و ...).

۳. عمومیت زوجیت موجودات

قرآن کریم از معانی معهود و شناخته‌شده واژه «زوج» در نزد اعراب حجاز و نیز با توجه به مجاورت اعراب با یهودیان و مسیحیان و آشنایی این اقوام با واژه مزبور، آن را به کار بسته است؛ ضمن آنکه از بررسی آن در آیات می‌توان شاهد نوعی کاربرست جدید و تکامل معنایی برای این واژه نیز بود که در آیاتی از قبیل: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس: ۳۶) و «وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ...» (رعد: ۳) و «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات: ۴۹). می‌توان به عمومیت قانون زوجیت برای همه

موجودات شناخته و ناشناخته جهان پی برد که مفسران ذیل تفسیر آیات نامبرده چنین اذعان دارند که مردم مسئله نر و ماده را در بعضی گیاهان مثل خرما، فهمیده بودند؛ ولی عمومیت زوجیت از طریق قرآن اعلام شد که شواهد علمی تا قبل از نزول قرآن کریم نیز مؤید این ادعاست (رک: خوئی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱۷، ص ۱۴۷).

جدول ۴: معانی «زوج» در اشعار جاهلی، فرهنگ عربی و قرآن کریم

معنی	واژه	زبان	ردیف
۱. نوع و گونه ۲. مقارنت اشیا بایکدیگر ۳. معنای عددی ضد فرد ۴. قرین و همنشین ۵. پیوند و ارتباط (ضدیت، مثلثیت، ترکیب) ۶. جفت ۷. دو تا از هر چیز ۸. همسر ۹. پوشش رنگارنگ که بر سقف کجاوه پهن می‌شود.	زوج	لغت‌نامه‌های عرب	۱
۱. نوع و گونه ۲. پرده رنگارنگ ۳. همسر	زوج	فرهنگ جاهلی	۲
۱. زن به‌عنوان همسر مرد ۲. مرد به‌عنوان همسر زن ۳. قرین و همنشین ۴. صنف و گونه		قرآن کریم	۳

نتیجه‌گیری:

- واژه «زوج» در زبان‌های هند و اروپایی و آفریو آسیایی حکایت از قرصی بودن آن در یکی از این دو زبان است.
- نبود این واژه در عهد عتیق عبری و زبان اکدی و نیز شواهد فراوان واژه در متون دینی یونانی قبل از

می‌لاد دلالت بر اصل یونانی این واژه می‌کند.

- معنای غالب و رایج امروزی «زوج» در شاخه‌های زبان‌های سامی، همسر و زن است؛ در حالی که در زبان یونانی، معنای اولیه آن پیوستن و وصل کردن و مصداق بارز آن یوغ است که بارها در متون دینی کهن آمده است.

- بسامد بالای واژه در زبان‌های سامی و برخی شاخه‌های هند و اروپایی حاکی از آن است که ساختار واژه به گونه‌ای است که به سهولت اقتباس شده و انتقال یافته است.

- اعراب پیش از اسلام با این واژه و معانی آن آشنا بودند. بر همین اساس، قرآن این واژه را به استخدام گرفته و مبتنی بر معنای اصلی و ثانوی، معارف جدیدی به بشر عرضه داشته است؛ از جمله مسئله زوجیت تمام موجودات که برای نخستین بار در قرآن به بشر ارائه شد.

کتابنامه

قرآن کریم.

آریان‌پور کاشانی، منوچهر. (۱۳۸۴ش). فرهنگ ریشه‌های هند و اروپایی زبان فارسی (چاپ اول). دانشگاه اصفهان: جهاد دانشگاهی.

ابن خلدون، عبدالرحمن. (۱۹۸۸م). *دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر* (چاپ دوم). تحقیق خلیل شحاده. بیروت: دار الفکر.

ابن‌درید، ابوبکر محمد بن الحسن. (۱۹۸۷م). *جمهره اللغة (الطبعة الاولى)*. تحقیق رمزی منیر بعلبکی. بیروت: دارالعلم للملایین.

ابن فارس، احمد. (۱۹۷۹م). *معجم مقاییس اللغة*

(الطبعة الثانية). بیروت: دارالفکر للطباعة.

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم* (چاپ اول). تحقیق محمدحسین شمس‌الدین. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان‌العرب* (الطبعة الثالثة). بیروت: دارصادر.

الأعشى، میمون بن قیس. (۲۰۱۰م). *دیوان الشعر* (الجزء الاول). تحقیق محمود ابراهیم محمد الرضوانی. دوحه: وزارة الثقافة والفنون والتراث.

اقلیمس، یوسف داوود. (۱۷۸۹م). *اللمعة الشهیة فی نحو اللغة السریانیة علی کلام مذهبی الغربیین و الشرقیین*. موصل: دیر الآباء الدوسکیین.

بهارزاده، پروین. (۱۳۹۲ش). *بازخوانی مفاهیم «زوج» و «زوجیت» در قرآن کریم*. فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء، ۱۰ (۲)، ۲۹-۵۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. تحقیق: محمد عبد الرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

خوانین‌زاده، محمدعلی. (۱۳۹۴ش). *معناشناسی تاریخی واژه «رب»*. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۸ (۲)، ۷۷-۱۲۰.

خویی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲ش). *بیان در علوم و مسائل کلی قرآن*. ترجمه هاشم هاشم‌زاده هریسی. محمدصادق نجمی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

راغب، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن* (چاپ چهارم). ترجمه سید غلامرضا خسروی حسینی. تهران: انتشارات مرتضوی. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۷ش). *تفسیر*

تفسیر القرآن العزیز. تحقیق شیخ مالک محمودی. قم: دار القرآن الکریم.

عدی بن زید. (۱۹۶۵م). دیوان الشعر. تحقیق محمد جبار المعید. بغداد: دار الجمهوریه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۳۸۳ش). کتاب العین (چاپ دوم). قم: انتشارات اسوه.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). قاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیه.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ش). الجامع لأحكام القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

مظهری، محمد ثناء الله. (۱۴۱۲ق). التفسیر المظهری. تحقیق غلام نبی تونسلی. پاکستان: مکتبه رشدیہ.

مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. تحقیق عبدالله محمود شحاته. بیروت: دار إحياء التراث.

میبدی، رشیدالدین. و احمد بن ابی سعد. (۱۳۷۱ش). کشف الأسرار و عدة الأبرار (چاپ پنجم). تحقیق علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات امیر کبیر.

النووی. (بی تا). تهذیب الاسماء و اللغات. بی جا: بی نا.

ولفسون، اسرائیل. (۱۹۲۹م). تاریخ اللغات السامیه. مصر: لجنة التالیف و الترجمة.

قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

زمخشری، محمود. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العربی.

سلیمانی، عبدالرحیم. (۱۳۷۸ش). کتاب مقدس. قم: انجمن معارف اسلامی.

سیار، پیروز. (۱۳۸۷ش). عهد جدید براساس کتاب مقدس اورشلیم. تهران: نشر نی.

صفوی، کورش. (۱۳۸۷ش). درآمدی بر معناشناسی. تهران: سوره مهر.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دارالمعرفه.

الطحلاوی، جوده محمود. (۱۹۳۲م). تاریخ اللغات السامیه، مصر: الطلبة.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد قصیر عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طیب حسینی، سید محمود. و انصاریان، نسرین. (۱۳۹۷ش). معناکاوای واژه های امرأه، نساء و زوج در قرآن کریم و کاربست آن در تحکیم روابط زوجین. فصلنامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۵ (۱)، ۶۹-۵۱.

العامری، لیبیدین ربیعہ. (۲۰۰۴م). دیوان الشعر. تحقیق حمدو أحمد طمّاس. بیروت: دارالمعرفه.

عاملی، علی بن حسین. (۱۴۱۳ق). الوجیز فی

Bibliography

The Holy Quran.

Arianpour Kashani, Manouchehr. (2005). *Farhang risheh haye hendo oroupai zaban farsi* (First Edition). University of Isfahan: Jihad Daneshgahi.

Ibn Khaldun, Abdul Rahman (1988). *Diwan al-Mabtada wa al-Khabar fi tarikh al-Arab wa al-Barbar wa man asarahum min dawī al-shan al-akbar* (second edition). Researched by Khalil

- Tarjome wa tahghigh mofradat alfaz Quran* (fourth edition). Translated by Seyed Gholamreza Khosravi Hosseini. Tehran: Mortazavi Press.
- Rezaei Isfahani, Mohammad Ali (2008). *Tafsir Quran Mehr*. Qom: Researches on Quranic Interpretation and Sciences.
- Zamakhshari, Mahmoud (1986). *Al-Kashshaaf 'an Haqa'iq at-Tanzil* (third edition). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Soleimani, Abdul Rahim (1999). *Ketab moghaddas*. Qom: Islamic sciences Association.
- Sayar, Pirouz. (2008). *New Testament based on the Bible in Jerusalem*. Tehran: Ney Press.
- Safavi, Cyrus. (2008). *An Introduction to Semantics*. Tehran: Surah Mehr.
- Tabatabai, Sayed Mohammad Hussein (1996). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (third edition). Qom: Islamic Publication Office of Qom Seminary Teachers Association.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan. (1993). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow Press.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1991). *Jāmi' al-bayān 'an ta'wīl āy al-Qur'ān*. Beirut: Dar al-Ma'rifah.
- Al-Tahlawi, Jude Mahmoud. (1932). *History of Semitic Languages*, Egypt: al-Talabah.
- Tusi, Muhammad ibn Hassan. (n.d). *At-Tibyan Fi Tafsir al-Quran*. Researched by Ahmad Qasir Ameli. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Tarath Al-Arabi.
- Tayeb Hosseini, Seyed Mahmoud and Ansarian, Nasrin. (2018). The meaning of the words imraah, nisa and zoj in the Holy Quran and its use in strengthening the relationship between couples. *Quarterly Journal of Islamic Studies of Women and Family*, 5 (1), 69-51.
- Al-Ameri, Labid bin Rabiah. (2004). *Diwan al-shi'r*. Researched by Hamdo Ahmad Tammas. Beirut: Dar Al-Ma'rifah.
- Ameli, Ali bin Hussein. (1992). *Al-Wajiz fi Tafsir al-Qur'an al-Aziz*. Researched by Shahadah. Beirut: Dar al-Fikr.
- Inb Dureid, Abu Bakr Muhammad bin Al-Hassan (1987). *Jamharah al-Lughah* (first edition). Researched by Ramzi Munir Baalbeki. Beirut: Dar Al-Ilm Lilmalaiin.
- Ibn faris, Ahmad. (1979). *Mujam maghais al-lughah* (Second edition). Beirut: Dar al-Fikr li al-tibaah.
- Ibn Kathir Damascus, Ismail Ibn Amr. (1998). *Tafsir al-quran al-azim* (first edition). Researched by Mohammad Hussein Shams al-adin. Beirut: Dar Al-Kutub Al-Ilmiyah, Manshurat Muhammad Ali Beizun.
- Ibn Manzoor, Muhammad ibn Makram. (1993). *Lisan al-Arab* (third edition). Beirut: Dar Sadir.
- Al-Asha, Maimun bin Qais. (2010). *Diwan al-Shir*. Researched by Mahmoud Ibrahim Muhammad Al-Rezwani. Doha: Ministry of Culture, Arts and Heritage.
- Ighlimes, yoseph Davud. (1789). *Al-Lumaa al-Shahiah fi nahw al-lughah al-suriyaniah ala kila mazhabai al-gharbiin wa al-sharghiin*. Musil: Deir al-Aba al-Duskiin.
- Baharzadeh, Parvin. (2013). Re-reading the concepts of "couple" and "marriage" in the Holy Quran. *Journal of Quranic and Hadith Research*, Al-Zahra University, 10 (2), 50-29.
- Beizawi, Abdullah bin Umar. (1997). *Anwar al-Tanzil wa-Asrar al-Ta'wil*. Researched by Muhammad Abdul Rahman Al-Marashli. Beirut: Dar Al-Ihya Al-Turath Al-Arabi.
- Khaninzadeh, Mohammad Ali (2015). Historical semantics of the word "Lord". *Journal of Linguistic Research of the Qur'an*, 8 (2), 120-77.
- Al-Khoei, Abu al-Qasim. (2003). *Al-Bayan fi uloum wa masiil kulli Quran*. Translated by Hashem Hashemzadeh Harisi. Mohammad Sadegh Najmi. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Raghib, Hussein bin Muhammad (1991).

- Jastrow, Marcus. (1903). *A dictionary of the Targumin*. London/New York: Pardes Publishing House.
- Klein, Ernest. (1987). *A Comprehensive Etymological Dictionary of the Hebrew Language for Readers of English*. Carta: The University of Haifa.
- Lidden. H. G., & R.Scott. (1996). *A Greek-English Lexicon*. (2ed). Clarendon: H. S. Jones & R. McKenzie, Oxford.
- Miguel. Civil & Ignace J. Gelb. (1968). *The Assyrian Dictionary of the Oriental Institute of the University of Chicago*, Chicago.
- Orel, V. E., & O. V. Stolbova. (1995). *Hamito-Semitic Etymological Dictionary: Materials for a Reconstruction*. Leiden: E.J. Brill.
- <https://hy.wiktionary.org>
- <http://www.dukhrana.com>
- <http://www.qbible.com>
- Sheikh Malik Mahmoudi. Qom: Dar Al-Quran Al-Karim.
- Adi bin Zayd. (1965). *Diwan al-shi'r* Researched by Mohammad Jabbar Al-Muaibid. Baghdad: Dar al-Jumhouriah.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad (2004). *Kitab Al-Ain* (Second Edition). Qom: Osweh Press.
- Firuzabadi, Muhammad bin Yaqub. (1994). *Al-Qamus Al-Muhit*. Beirut: Dar al-kutub al-ilmiah.
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. (1985). *Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Naser Khosrow Press.
- Mazhari, Muhammad Sana Allah. (1991). *Al-Tafsir al-Mazhari*. Researched by Ghulam Nabi Tunisi. Pakistan: Maktabah Rushdiah.
- Muqatil bin Sulayman. (2002). *Tafsir Muqatil bin Sulayman*. Researched by Abdullah Mahmud Shahatah. Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Turath.
- Meybodi, Rashid al-Din. And Ahmad ibn Abi Sa'd. (1992). *Kashf al-Asrar wa Uddato al-Abrar* (fifth edition). Researched by Ali Asghar Hekmat. Tehran: Amir Kabir Press.
- Al-Nawawi. (n.d). *Tahzib al-Asma wa al-Lughat*. No place: No name.
- Wolfenson, Israel. (1929). *History of Semitic languages*. Egypt: Lujnah al-talif wa al-tarjimah.
- Beeston, A.F.L., & Ghul, M. A. (1982). *Sabaic Dictionary/ Dictionnaire*.
- Costaz, Louis, S.J. (2002). *Dictionnaire syriaqus-francais, syriac-english dictionary* (Third Edition). Beyrout: dar el-machreq.
- Dillmann, Augusti. (n.d). *Lexicon linguae aethiopicae*. Leipzig: T.o.weigel.
- Dolgopolsky Aharon. (2008). *Nostratic Dictionary*. Cambridge: MacDonald Institute for Archaeological Research.
- Gale. (2003). *New Catholic Encyclopedia* (2nd ed.). vol.13.
- Gesenius, William. (1882). *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*. Boston: Houghton Mifflin Harcourt.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی